

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال پانزدهم، شماره اول

بهار ۱۳۹۳، شماره مسلسل ۵۷

## بررسی بن مایه‌های تاریخی نمایش مذهبی در ایران

تاریخ دریافت:

تاریخ تأیید:

مصطفی پیرمردیان\*

سمیه بختیاری\*\*

نمایش مذهبی یکی از مؤلفه‌های فرهنگی دیرینه تاریخ ایران است. در فرهنگ تشیع، نمایش مذهبی یا به عبارت مصطلح آن، تعزیه به عنوان یکی از مراسم عزاداری برای شهادت سیدالشهدا ابی عبدالله الحسین  $\blacklozenge$  شناخته می‌شود. پس از شهادت مظلومانه امام حسین  $\blacklozenge$ ، مسلمانان به خصوص شیعیان با برپا کردن مراسم سوگواری برای زنده نگه داشتن فلسفه قیام امام حسین  $\blacklozenge$  کوشیده‌اند. در این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای، قدمت نمایش مذهبی در ایران، تاریخ پیدایش تعزیه در ایران و چگونگی کاربری تکیه‌ها و حسینیه‌ها در ایام سوگواری بررسی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: تشیع، سوگواری، تعزیه، تکیه، حسینیه.

\* استاد یار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان.

\*\* دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی - دانشگاه اصفهان (نویسنده مسؤول).

## مقدمه

آداب، ارزش‌ها، مراسم و باورهای فرهنگی، پیشینه تاریخی، فرهنگی و دینی و هویت اجتماعی هر جامعه را شکل می‌دهند. ایرانیان از زمان پذیرش اسلام، مناسک دینی مانند نماز و روزه را انجام می‌دادند و بعدها با پذیرش مذهب شیعه، مراسم عزاداری خاصی که با عقاید شیعی هم‌خوانی داشت به مجموعه هنجارها، ارزش‌ها، مراسم و مناسک خویش افزودند. از آن زمان تا کنون این مناسک با نوساناتی که ممکن است برای هر هنجار یا رفتار فرهنگی اتفاق بیفتد در فرهنگ ایرانی جریان دارد و از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است.

افزون بر قدمت، تنوع و وسعت مراسم و مناسک در نظام فرهنگی ایران به اندازه‌ای است که کمتر کنشی به اندازه کنش‌های دینی در این نظام فرهنگی وسعت دارد و رایج است. ثبات شکل و تکرار کنش‌های دینی از خصوصیات است که آنها را به سنت‌های ماندگار فرهنگی تبدیل می‌کند. مراسم و مناسک دینی، بخش وسیعی از رفتار و کنش‌های فردی و اجتماعی ایران را شکل می‌دهند. علاوه بر مناسک واجب دیگری که جزء فروع دین به حساب می‌آید، مراسم متعدد و متنوعی همراه با جشن و سرور در قالب اعیاد مذهبی مانند عید فطر، قربان، مبعث و ولادت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ یا مراسم‌هایی در قالب سوگواری انجام می‌شود که نشان‌دهنده گستره و حضور این مراسم و مناسک در فرهنگ ایران است. مراسمی که با تجمع مردم در سراسر کشور در تمام محله‌های شهری و روستایی و با حضور همه قشرهای مردم از همه گروه‌های سنی برگزار می‌شود.

سوگواری و عزاداری به شکل کنونی آن، در دوره‌های مختلف زمانی دارای چهارچوب خاص و ساخت و پرداختی تاریخی-دینی بوده است. نمایش مذهبی تا حدی به استفاده از آیین‌های نمایشی سوگواری ایران باستان، پس از شهادت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ در دوره اسلامی جلوه دیگری به خود گرفت و عاشورا به عنوان یکی از عناصر فرهنگ تشیع ایران به کنشی پویا، فرا زمانی و فرا مکانی تبدیل شد. از آن‌جا که مراسم عاشورا از زمان آل بویه

تاکنون پیوسته برگزار شده است و جزئی از هنجارها، سنت‌ها و ارزش‌های نهادینه شده ایران به شمار می‌آید شایسته تحقیق و پژوهش است. از این رو، مقاله حاضر بر آن است تا با بررسی قدمت نمایش مذهبی در ایران، تاریخ پیدایش تعزیه خاندان نبوت در ایران و فراز و فرود آن در دوره‌های تاریخی، تداوم این ارزش و سنت شیعی را در ایران پی‌گیری کند.

### نمایش مذهبی در ایران پیش از اسلام

درباره پیشینه تاریخی نمایش مذهبی در ایران، نظریه‌های مختلفی ارائه شده است. برخی از محققان پیشینه تاریخی نمایش مذهبی در ایران را برگرفته از اساطیر بین النهرین، آناتولیا و مصر می‌دانند و از اسطوره تموز، رب النوع جوان بین النهرین به عنوان یکی از نمونه‌های تأثیر گذار بر اجرای نمایش سوگواری یاد می‌کنند.<sup>۱</sup> برخی از محققان، مجسم کردن و یا نمایش دادن سوگواری را متأثر از تئاتر و نمایش‌های مذهبی و یا غیر مذهبی اروپا در قرون وسطا و حتی کشورهایی چون هند و چین می‌دانند.<sup>۲</sup> هم‌چنین، محققانی، پیشینه نمایش‌ها را به دوره ایران باستان می‌رسانند و گروه دیگر، آن را در تظاهرات مذهبی دیلمیان جست‌وجو می‌کنند. حتی برخی از محققان آن را از ابداعات دوره صفوی می‌دانند.

به طور حتم، پیشینه نمایش سوگواری در ایران، نمی‌تواند به قرن دهم هجری باز گردد؛ زیرا نمایش مذهبی با ساخت و پرداختی تاریخی - دینی تا حدی از آیین‌های کهن باستانی نشأت گرفته است و سوگ سیاوش با قدمتی سه هزار ساله، نمونه بارز آن است که با نمایش و شکل بیانی خاصی همراه بوده است. نرشی دربار سرودهای سوگواری سیاوش می‌نویسد:

مردم بخارا را در کشتن سیاوش نوحه‌هاست، چنان‌که در همه ولایت‌ها

معروف است و مطریان آنرا سرود ساخته‌اند و می‌کوبند و قوالان آنرا گریستن

مغان خوانند و این بسخن زیادت از سه هزار سال است.<sup>۳</sup>

پس از ورود اسلام، این شیوه سوگواری کهن ایرانی در مراسم عزاداری سنتی حسین بن علی ♦ تجلی یافت که به آن تعزیه می‌گویند. در واقع، تعزیه به سان اُپرایسی که در آن، نمایش با موسیقی و آواز اجرا می‌شود،<sup>۴</sup> نشان‌دهنده وجهی از تاریخ دینی شیعیان و نشان‌دهنده رخدادی واقعی - تاریخی در حوزه حیات قدسی قدیسان دین و مذهب در جهان تشیع است. مسلمانان شیعه در نمایش آیینی - مذهبی تعزیه، اعمال و رفتار امامان خود را تکرار می‌کنند و باز می‌نمایانند.<sup>۵</sup> هم‌چنین، تعزیه گردانان برای متأثر کردن احساسات شیعیان و نمایش هر چه بیشتر مصائب ائمه علیهم‌السلام در آن فاجعه از آهنگ‌ها و سرودهای سنتی محزون استفاده می‌برند.

#### نمایش مذهبی در ایران پس از اسلام تا صفویه

تعزیه نمایشی دینی است که ریشه در تراژدی دارد. این نمایش در یک محوطه به وسیله چند نفر انجام می‌شود که در نقش شخصیت‌های اصلی واقعه کربلا و با لباس‌های مخصوص همراه با دهل، شیپور، سپر، نیزه، کُرنا، سُرنا، زره و اسب ایفای نقش می‌کنند. نمایش تعزیه و شبیه‌خوانی از قرون اولیه اسلامی در شهرهای شمالی ایران که شیعه نشین بوده، برگزار می‌شده است. تکیه‌ها و حسینیه‌ها از مکان‌های رایج برگزاری مراسم عزاداری و سوگواری ایام عاشورا بوده است.

تاریخ پیدایش تعزیه اهل بیت و پیشینه تاریخی شبیه‌سازی سوگواری ایشان، به طور دقیق مشخص نیست. برخی از محققان شکل‌گیری و پیدایش تعزیه را از پدیده‌های اواخر دوره صفوی و گروهی آن را از ابداعات برخی از علما مانند علامه مجلسی می‌دانند و بر این باور هستند که تعزیه در اواخر عهد صفویان به تدریج شکل گرفته و به طور تقریبی به صورت کامل از زمان زندیان در ایران رایج بوده است.<sup>۶</sup> این در حالی است که روایت‌هایی درباره وجود نمونه‌هایی از عزاداری در دوره دیلمیان و خیلی پیش‌تر از آن، در زمان ابومسلم خراسانی در منابع تاریخی ثبت شده است. مسعودی در این باره می‌نویسد:

ابومسلم خراسانی و مردم خراسان برای یحیی بن زید، هفت روز عزاداری کردند و به خاطر بزرگداشت خاطره او و پدرش در سال شهادتش هر چه پسر در خراسان به دنیا می‌آمد به نام زید و یحیی خوانده و نام‌گذاری می‌شد.<sup>۷</sup>

در این روایت، شکل بیانی عزاداری مشخص نیست ولی از کهن‌ترین نمونه‌های مراسم سوگواری در ایران پس از اسلام است که برای شهادت مظلومی گزارش می‌شود. برخی از نویسندگان و تاریخ‌نگاران مراسم سوگواری و دسته‌گردانی‌های دوره دیلمیان را که گویا گه‌گاه در آنها، شبیه‌های صامتی همراه دسته‌های عزادار بوده است، آغاز پیدایش تعزیه می‌دانند<sup>۸</sup> این‌اثیر درباره عزاداری در دوره آل بویه می‌نویسد:

در دهم محرم سال جاری [۳۵۲ هـ. ق.] معزالدوله به مردم دستور داد دکان‌ها و اماکن کسب را تعطیل کنند و سوگواری نمایند و قباهای سیاه مخصوص عزا بپوشند. زنان نیز موی خود را پریشان و گونه‌ها را سیاه کنند. جامه‌ها را چاک زنند و در شهر بگردند و بگریند و بر سر و رو و سینه بزنند و برای حسین بن علی رضی الله عنهما ندبه بخوانند.<sup>۹</sup>

در این روایت، علاوه بر خواندن ندبه بر امام حسین  $\blacklozenge$ ، به گریه کردن و لباس عزا پوشیدن اشاره می‌شود. هم‌چنین قصاید زیادی در مرثیه امام حسین  $\blacklozenge$  از صاحب بن عباد وزیر و شاعر آل بویه باقی مانده است که به منظور تهیج و گریاندن عزاداران به نظم در آمده است.<sup>۱۰</sup> بنابراین می‌توان گفت که در دوره آل بویه (۳۲۰-۴۴۷ هـ. ق.) شکل خاصی از نمایش مراسم سوگواری، شبیه آن چه در اواخر صفویه و زندیه رایج گردید، مرسوم بوده است.

به نظر می‌رسد نخستین بار دیلمیان بودند که به طور رسمی، شهادت حسین بن علی  $\blacklozenge$  را به صورت شبیه مجسم ساختند و از سال ۳۵۲ هـ. ق تا اواخر حکومت آل بویه در بیشتر سال‌ها کم و بیش مراسم عاشورا برپا می‌شده است. این نمایش‌ها صامت بود و افراد نمایش با لباس مناسب سوار و پیاده خودنمایی می‌کردند و بعدها تعزیه خوانی همراه

با شعر و آواز که در واقع نوعی ملودرام بود، معمول گردید.<sup>۱۱</sup> البته این گونه سوگواری‌ها، هم‌زمان با دوره آل بویه در مصر به وسیله سلاطین شیعه مذهب فاطمی نیز برگزار می‌شد. در زمان سلطنت المعز لدین الله، ابوتمیم معد (۳۶۰ ه. ق) شیعیان مصر، ایام عاشورا را روزهای حزن و اندوه قرار دادند و در اقامه عزاداری نوحه سرایی کردند.<sup>۱۲</sup> هم‌چنین نخستین خیمه‌ای که به طور رسمی به منظور برگزاری مراسم عزاداری امام حسین  $\blacklozenge$  در دشت کربلا برپا گردید، به عضدالدوله دیلمی نسبت داده می‌شود.<sup>۱۳</sup> بنابراین می‌توان گفت که حاکمان شیعی مذهب آل بویه به واسطه داشتن قدرت سیاسی موجب گسترش و رواج سوگواری امام حسین  $\blacklozenge$  به صورت علنی و آشکار در میان مردم شدند و آزادانه و بدون هیچ مانعی، آن را به کوچه و بازار کشاندند.

دولت‌هایی که پس از آل بویه به قدرت رسیدند، نه تنها سنی مذهب بودند بلکه به شدت با مذاهب دیگر به ویژه شیعیان برخورد می‌کردند. به همین سبب گزارش‌های زیادی از اجرای مراسم سوگواری امام حسین  $\blacklozenge$  در اواخر عهد آل بویه تا حمله مغول به چشم نمی‌خورد. در کتاب *بعض مئالب النواصب فی نقض*، در گزارشی درباره برگزاری مراسم عاشورا در عصر سلجوقی آمده است:

در سنه خمس و خمسين و خمسمائة به اجازت قاضی با حضور کبرا و امراء، پس اگر این بدعت بودی چنانکه خواجه مجیر انتقالی گفته است، چنان مفتی رخصت ندادی و چنین ائمه روا نداشتندی. و اگر خواجه انتقالی به مجلس حنیفیان و شیعیان نرفته باشد آخر بمجلس شهاب مشاطرفته باشد که او هر سال که ماه محرم درآید ابتدا کند به مقتل عثمان و علی، و روز عاشورا بمقتل حسین علی آورد تا سال پیرار بحضور خاتونان امیران و خاتون امیر اجل این قصه بوجهی گفت که بسی مردم جامه‌ها چاک کردند و خاک پاشیدند و عالم سر برهنه شد و زاری‌ها کردند که حاضران می‌گفتند: زیادت از آن بود که بزعفران جای

کنند شیعت، و گر این علما و قضاة این معنی بتقیه و مداهنه می‌کنند از بیم ترکان و خوف سلطان؛ موافقت رافضیان باشد و گر باعتقاد می‌کنند خلاف ایشان را، خواجه را نقصان باشد ایمان را.<sup>۱۴</sup>

ولی چنین گزارش‌هایی بسیار معدود است. حضور فعال شیعیان در دوره‌های بعدی، خبر از پای‌بندی ایشان به شعایر دینی اهل تشیع در دوره متأخر می‌دهد که احتمال می‌رود به صورت غیرعلنی برگزار می‌شده است. در واقع سوگواری امام حسین ♦، یکی از مهم‌ترین مراسم‌هایی است که همواره شیعیان، آن را به صورت جدی دنبال می‌کرده‌اند. بر اساس تحقیقات اولیه از حمله مغول تا صفویه؛ یعنی از دوره ایلخانیان و تیموریان، منابع گزارشی درباره اجرای مراسم سوگواری امام حسین ♦ ارائه نمی‌کنند ولی باید پذیرفت که به دلیل تسامح مذهبی مغولان، شیعیان با آرامش خاطر بیشتری به اجرای مناسک مذهبی خویش می‌پرداختند. در زمان سلطان حسین بایقرا کتاب *روضه الشهدا فی مقاتل اهل بیت* به وسیله کمال الدین حسین بن علی کاشفی واعظ که معتقد به فقه حنفی بود، نوشته شد و این تحوّل در تاریخ تشیع محسوب می‌شد.

#### نمایش مذهبی در ایران دوره صفویه تا قاجاریه

پس از رسمی شدن مذهب تشیع اثنا عشری یا دوازده امامی (۹۰۷ هـ. ق/ ۱۵۰۱ م) در ایران، تعزیه خوانی و شبیه خوانی بدون کوچکترین مانع در شاهراه‌ها و کوچه‌ها بر پا بوده است. اسناد زیادی درباره برگزاری رسمی مراسم تعزیه خوانی در دست نیست ولی به طور حتم، پادشاهان صفوی برای پایداری بیشتر از احساساتی که مردم به اهل بیت علیهم‌السلام داشتند، بهره می‌گرفتند؛ زیرا مهم‌ترین عامل در ایدئولوژی سیاسی صفوی، حفظ شعایر دینی اثنا عشری بود و آنچه موجب استحکام پایه‌های مشروعیت ایشان می‌شد، پای‌بندی مردم به ائمه اطهار علیهم‌السلام بود.

در اواسط دوره صفویه، تعزیه به تدریج جای خود را در میان اقشار مختلف مردم به

دست آورد. برخی از محققان، پیدایش تعزیه را بی هیچ زمینه و سابقه تاریخی از ابداعات شاهان صفوی یا علمای دوره صفوی و یا تقلیدی از تئاترها و نمایش‌های مذهبی یا غیر مذهبی اروپا و کشورهای هند و چین می‌دانند<sup>۱۵</sup> اولیاء چلیپی از سیاحان عثمانی در سال ۱۰۵۰ ه. ق/ ۱۶۴۰ م در زمان شاه صفی در تبریز،<sup>۱۶</sup> تاورنیه در سال ۱۶۶۷ م/ ۱۰۷۷ ه. ق در زمان شاه سلیمان<sup>۱۷</sup> و کمپفر در سال ۱۶۸۴ م/ ۱۰۹۵ ه. ق<sup>۱۸</sup> شاهد مراسم عزاداری امام حسین **◆** در ماه محرم بوده‌اند.

کمپفر به خوانده شدن روزانه یکی از فصول ده گانه کتاب *روضه‌الشهدا* در دهه محرم، سینه زنی و نوحه خوانی در حلقه‌های دایره‌ای شکل، یک تن شبیه خون آلودی که در تابوت آه می‌کشید و قمه زنی<sup>۱۹</sup> اشاره می‌کند.<sup>۲۰</sup> هم‌چنین، رسم رفتن از محله‌ای به محله دیگر و پذیرایی از آنها در دوره صفویه رایج بوده است که منابع آن را گزارش می‌کنند. به طوری که پیتر و دلاواله می‌نویسد:

*پس از این که روز دهم ماه محرم؛ یعنی روز قتل فرا رسید. از تمام اطراف و محلات اصفهان، دسته‌های بزرگی راه می‌افتد که به همان نحو، بیرق و علم با خود حمل می‌کنند و بر روی اسب‌های آنان، سلاح‌های مختلف و عمامه‌های متعدد قرار دارد. به علاوه چندین شتر همراه دسته‌ها هستند که بر روی آنها، جعبه‌هایی حمل می‌شود که درون هر کدام، سه، چهار بچه به علامت بچه‌های اسیر امام حسین **◆** شهید قرار دارند. علاوه بر آن، هر یک از دسته‌ها به حمل تابوت‌هایی می‌پردازند که دور تا دور آنها مخمل سیاه رنگی پیچیده شده است.<sup>۲۱</sup>*

از آن جا که در دوره کوتاه افشاریه، نبردهای پی در پی نادرشاه در اطراف کشور و حملات او به هند، مانع از پرداختن مورخان به تاریخ اجتماعی مردم شده است، اسناد زیادی در رابطه برگزاری مراسم تعزیه در آن دوره، در دست نیست. تنها گزارشی از دو

سیاح اروپایی به نام‌های سالامون انگلیسی و وان گوک یا وان گوخ هلندی که گویا در زمان شاه سلطان حسین و نادر شاه به ایران آمده بودند، موجود است. آنها در سفرنامه خود از برگزاری نوعی نمایش تعزیه بر روی ازابه خبر می‌دهند.<sup>۲۲</sup>

به نظر می‌رسد در زمان کریم خان زند، نمایش تعزیه و شبیه خوانی در همه جای ایران از جمله جزیره خارک تا شهر رشت رایج بوده است؛ چرا که اسناد و روایت‌های زیادی از برگزاری این مراسم در دوره زند موجود است. کارستن نیبور، سیاح آلمانی در سال ۱۷۶۵-۱۷۶۶ م / ۱۱۷۹-۱۱۸۰ ه. ق، هم‌زمان با پادشاهی کریم خان زند، شاهد تعزیه‌ای در جزیره خارک بوده است.<sup>۲۳</sup> هم‌چنین ساموئل هم‌لین یکی از سیاحان اروپایی است که در سال ۱۷۷۰-۱۷۷۲ م / ۱۱۸۴-۱۱۸۶ ه. ق به شهرهای شمالی ایران سفر می‌کند و از مراسم عزاداری ایام محرم و نوعی نمایش در رشت که به احتمال قوی تعزیه بوده است، خبر می‌دهد. او می‌گوید:

هر قصبه از شهر، قرارگاه‌هایی خاص داشت که دسته‌های عزاداری محرم به

آن‌جاها می‌رفتند و پرده‌های زنده‌ای از واقعه کربلا در این قرارگاه‌ها به نمایش

در می‌آمد.<sup>۲۴</sup>

این مطلب، علاوه بر این که پاسخ‌گوی نظریه پردازانی است که دوره قاجار را آغاز پیدایش تعزیه می‌دانند، نشان دهنده این است که مراسم سوگواری امام حسین ♦ در مناطق شمالی ایران که از قرون اولیه اسلامی، شیعه نشین بوده است با شکوه برگزار می‌شده است و معطوف به دوره زند و یا اواخر صفویان نبوده است و از قرن‌ها پیش، ایرانیان سنت آیینی سوگواری امام حسین ♦ را حفظ کرده بودند.

### نمایش مذهبی در ایران دوره قاجار

فلسفه سوگواری امام حسین ♦ همواره تداعی کننده مظلومیت و ایستادگی ایشان در برابر حکومت ظالم بوده است. شیعیان پیش از روی کار آمدن صفویان و رسمی شدن

تشیع در ایران برای ابراز مخالفت خود با خلافت و دستگاه حکومت، برگزاری مراسم سوگواری سیدالشهدا  $\blacklozenge$  را به صورت جدی دنبال می‌کردند. امرای آل بویه با برگزاری مراسم عزاداری حسین بن علی  $\blacklozenge$  علاوه بر این که ارادت خود را به اهل بیت  $\text{علیهم‌السلام}$  و خاندان نبوت ابراز می‌کردند، مخالفت آشکار خود را با دستگاه خلافت عباسی اعلام می‌نمودند.

به هر حال، اجرای مراسم سوگواری دینی - سنتی با رسمی شدن مذهب شیعه در دوره صفویان، شکل و ساختار سامان یافته و منظمی پیدا کرد. چنان که گفته شد در دوره زندیه، این مراسم در تمامی نقاط ایران حتی جنوب ایران که بیشتر مردمانش سنی مذهب هستند، رایج بوده است. در دوره قاجار، پادشاهان برگزاری باشکوه مراسم سوگواری ماه محرم را دنبال می‌کردند. اعتماد السلطنه در این باره می‌نویسد:

در عزه سال عرب که حساب تاریخ هجری بر آن نهاده اند هر سال تا ده روز موسم این مقام کریمست که رجال دولت بی زوال بر حسب حکم شاهنشاه اسلام پناه ارواحنا فداء بر طبقات و طبقات آن را با الوان زجاجات و چراغهای بلورین و فنون نوادر اشیاء و امتعه ثمین باراسته شعار شریفه تشیع و مناسک موالات اهل بیت علیهم السلام با ازدحامی عام اقدام و اهتمام می‌نمایند.<sup>۲۵</sup>

فتحعلی شاه، نخستین پادشاه قاجار است که به تعزیه و تعزیه خوانی علاقه نشان داد و باعث شد که تعزیه خوانی در آن زمان به صورت نمایشی آیینی - مذهبی، جلوه‌ای برجسته داشته باشد. او در رواج این سنت مذهبی در میان مردم و همگانی کردن آن در جامعه، کمابیش نقش مهم و مؤثری داشت.<sup>۲۶</sup> اوژن فلاندن، سیاح اروپایی که در سال ۱۸۴۰/۱۲۵۶ ه. ق از ایران دیدن کرد از تعزیه‌هایی سخن می‌گوید که در زیر چادرهایی بزرگ در معابر عمومی و یا حیاط مساجد یا درون قصرهای بزرگ برگزار می‌شد. این تعزیه‌ها بر روی یک تخت اجرا می‌شد. فلاندن درباره شیوه اجرای این مراسم می‌نویسد: بر روی تخت، منبری هست که پیش از هر نمایش، ملایسی بالای آن رفته

مردم را وعظ می‌نماید و برای درام حزن انگیز بعد حاضر می‌کند.<sup>۲۷</sup>

در کنده کاری‌های طاق بستان، تصویری از محمدعلی میرزا و فرزندانش به همراه وقف نامه‌ای وجود دارد که در آن تأکید می‌شود درآمد وقف به مصارف تعزیه و اطعام تکیه برسد. این وقف نامه نشان دهنده توجه پادشاهان و شاهزادگان قاجار به برگزاری تعزیه و مراسم سوگواری امام حسین  $\blacklozenge$  است.<sup>۲۸</sup> در این دوران، تأثیر مراسم تعزیه به اندازه‌ای بود که در پایان مراسم یکی از شبیه خوان‌ها که بیشتر اوقات از سادات بود از والی وقت، تقاضای عفو و بخشش زندانیان را می‌کرد. حاکم وقت نیز به احترام شهدای کربلا و معصومیت خاندان نبوت، خواست وی را اجابت می‌کرد.<sup>۲۹</sup>

توجه پادشاهان قاجار به تعزیه و آیین نمایشی شبیه خوانی به رشد و ارتقاء سطح کیفی تکالیف موجود و ساخت تکالیف جدید کمک می‌کرد. توجه و استقبال مردم از مراسم نمایشی ماه محرم، دست آویزی برای هر بزرگ و صاحب مقامی در عوام فریبی و جلب قلوب مردم بود. این امر نه تنها بین شاهزادگان، درباریان و بزرگان بر سر برگزاری هر چه مجلل تر مراسم سوگواری ماه محرم رقابت ایجاد می‌کرد بلکه «سفارتخانه‌های روس و انگلیس در ترتیب دادن مجلل ترین تکیه جهت مراسم سالانه محرم در تهران رقابت می‌کردند».<sup>۳۰</sup>

بستن طاق نما در تکیه‌ها به خصوص تکیه‌های دولتی، رقابت بزرگی را میان بزرگان و صاحب منصبان ایجاد می‌کرد؛ زیرا افتخار بستن طاق نما، نصیب هر کسی نمی‌گردید و کسب اجازه از شاه و به دست آوردن بهترین طاق نما در مقابل یا در کنار جایگاه همایونی و مفتخر شدن به خلعت شاهانه طاقشال، بستگی به آن داشت که چه کسی پیشکش شب هشتم را بیشتر از سایرین تقدیم کرده باشد.<sup>۳۱</sup>

به نظر می‌رسد دوره ناصری، عصر شکوفایی و رونق تعزیه و شبیه خوانی و بازسازی تکیه‌ها بوده است؛ زیرا شبیه خوانی ناطق در دوره ناصرالدین شاه در ایران معمول شد و تعزیه خوانی رونقی بسزا یافت.<sup>۳۲</sup> پس از دوره ناصری نه تنها عدم توجه مظفرالدین شاه و

جانشینان او، بلکه توجه مردم به مسائل سیاسی وقت و جریان مشروطه، وقفه کوتاهی در توجه به تعزیه گردانی و شبیه خوانی ایجاد کرد. این مسئله در کاهش شمار تکایا به عنوان عمده‌ترین مکان برگزاری مراسم سوگواری و شبیه خوانی، تأثیر بسزایی داشت. با این وجود، تکایایی مانند تکیه دولت در این دوره در مرکز توجه قرار داشت و وقایع مهم سیاسی در آن‌جا صورت می‌گرفت.

### نمایش مذهبی در ایران دوره پهلوی

شبیه خوانی و تعزیه گردانی پس از مشروطه به دلیل توجه مردم به وقایع سیاسی و اجتماعی و امور دیگر، رفته رفته تضعیف شد و در دوره پهلوی، بیش از پیش کم‌رنگ گردید. در دوره پهلوی اول، یکی از مهم‌ترین اقدامات رضاشاه در مخالفت با شعایر مذهبی، ایجاد ممنوعیت و محدودیت برای برگزاری مراسم سوگواری مذهبی بود. او که پیش از رسیدن به سلطنت در مراسم سوگواری ماه محرم شرکت می‌کرد، پس از رسیدن به پادشاهی تغییر رویه داد. بهار درباره حضور رضاخان در این مراسم می‌نویسد:

ایشان [رضاخان] شب عاشورا با پای برهنه و جمعی از همگان با دسته‌های

شمع چهل و یک منبر را بر طبق سنت و عادات توده ملت طی کرده و تمام دقیق

ترین مراسم ملی را به عمل آورده بودند.<sup>۳۳</sup>

برگزاری این مراسم در میان مردم، تنها به خاطر زنده نگاه داشتن فلسفه نهضت امام حسین ♦ و مبارزه حق علیه باطل بود. علاقه به سیدالشهدا ♦ و اهل بیت علیهم‌السلام از کودکی در اذهان مردم نهادینه شده بود و این امر در نزد رضاشاه دیکتاتور خوش نمی‌آمد. البته نباید تب تند و سوزان تجدد خواهان مبتلا به شبه مدرنیسم را نادیده گرفت و باید گفت که پای‌بندی به مذهب و شریعت مانع مهمی در برابر این نوگرایان افراطی بود. مخالفت با شعایر مذهبی و محدودیت در برگزاری مراسم سوگواری دینی تا سقوط رضاشاه ادامه داشت. در دوره پهلوی دوم در ابتدا، محمدرضا شاه چندان تمایلی به مخالفت

آشکار با شعایر دینی و مذهبی نداشت ولی پس از کنار رفتن مشکلات جنگ جهانی دوم و نگرانی‌های حاصل از آن با گرد آمدن مردم در کنار روحانیت، به ویژه پس از بالا گرفتن غوغای نفت، او نیز همانند پدرش، محدودیت‌هایی در برگزاری این تظاهرات دینی ایجاد کرد. سرانجام در اواخر سلطنت پهلوی، فلسفه قیام امام حسین  $\blacklozenge$  اهرمی پیش برنده برای تظاهرات مردم در مقابل جور و ستم حکومت خودکامه بود.

قیام پانزده خرداد، نقطه عطفی در بررسی علل و زمینه‌های وقوع انقلاب اسلامی است. در روز پانزده خرداد سال ۱۳۴۲ مصادف با ۱۲ محرم سال ۱۳۸۳ ه. ق، اولین تجمع اعتراض آمیز با رویکرد مذهبی اتفاق افتاد. مراسم ماه محرم به عنوان سازمان غیر رسمی و مردمی، کنش‌های اعتراض آمیز را رهبری می‌کرد. رهبران مذهبی با درک پیشینه و توان این مراسم به بسیج توده‌های مردم پرداختند تا این که در بهمن سال ۱۳۵۷ ش این حرکت‌های خود جوش به ثمر رسید. بهمن سال ۱۳۵۷ مصادف با ماه محرم بود. محرم و به ویژه عاشورای سال ۱۳۹۹ ه. ق اوج خیزش ملی است که به تعبیر میشل فوکو در چهره مراسم و نمایش‌های مذهبی بروز یافت.<sup>۳۴</sup> راهپیمایی‌های عاشورای سال ۱۳۹۹ ه. ق آخرین بنیان‌های رژیم پهلوی را از بین برد. بنابر این نقش مراسم عاشورا در تحقق انقلاب اسلامی، بسیار مهم بوده است. چنان که امام خمینی در این زمینه می‌فرماید:

*انقلاب اسلامی ایران پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی بوده است... و*

*اگر این مجالس وعظ و خطابه نبود کشور ما پیروز نمی‌شد.<sup>۳۵</sup> پس از پیروزی*

*انقلاب اسلامی با توجه به رهنمودهای امام خمینی  $\text{علیه السلام}$ ، مراسم سوگواری*

*سیدالشهدا  $\blacklozenge$  هر سال با شکوه هر چه تمام برگزار می‌گردد.*

### کانون‌های برگزاری نمایش تعزیه و شبیه خوانی

عزاداری و سوگواری از فعالیت‌های عمومی و رایج در تکیه‌ها و حسینیه‌ها در دهه عاشورا بوده است. مسلمانان در ایران در ماه‌های محرم و صفر با برپا کردن چادر،

گسترده‌تر شدن فرش، نصب علم و کتل و با وسایل تعزیه و شبیه‌خوانی به عزاداری می‌پرداختند. روضه‌خوانی، سینه‌زنی، دسته‌گردانی و قمه‌زنی یا شاخ‌حسینی از شیوه‌های معمول عزاداری بوده است. در مراسم سینه‌زنی و دسته‌گردانی، علامت‌هایی را در جلوی دسته‌ها حرکت می‌دادند که شکل عمومی آنها در تمام شهرها و محلات یکسان بوده و تفاوت در تعداد سری‌ها نوع تزیین و حکاکی آنها بوده است. در پشت این علامت‌ها، توده عزاداران و سینه‌زن‌ها راه می‌افتادند.

### تکیه

تکیه در لغت به معنای یله‌دادن، لمیدن، پشت‌دادن، پشت‌گرمی، اعتماد<sup>۳۶</sup> و در اصطلاح دیر یا صومعه درویشان،<sup>۳۷</sup> سوگوارخانه، مکان بودباش فقرا، مکان گرد آمدن صوفیان، اقامتگاه موقت صوفیان در سفر، مهمان‌پذیر رایگان در شهرهای زیارتی، بقاع مشایخ تصوف، عارفان و قدیسان و بنایی ویژه برای برگزاری آیین سوگواری شیعیان است. بنابراین تکیه در معانی مختلف، کاربرد گسترده‌ای داشته است. در ابتدا بنای تکیه را متناسب با اجرای مناسک اهل تصوف و درویشان و با کاربری خانقاهی و آرامگاهی مشایخ می‌ساختند. پس از گسترش تشیع به دلیل بالا گرفتن منازعات فرقه‌ای و جنگ‌های حیدری-نعمتی و با توجه به سیاست‌های منفی سلاطین صفوی نسبت به صوفیان، این تکیه‌ها به تدریج، رونق صوفیانه خود را از دست دادند.<sup>۳۸</sup> با زوال صوفی‌گرایی، تکیه به دلیل فضاسازی ویژه‌ای که داشت به مکانی خاص برای اجرای تعزیه و سوگواری خاندان نبوت و ائمه اطهار علیهم‌السلام تبدیل شد.

در گذشته، تکیه به وسیله صوفیان و درویشان ساخته می‌شد. بنابراین فضاسازی داخل تکیه‌ها، پاسخ‌گویی مناسب برای کاربری آن به عنوان مکان گرد آمدن صوفیان، اقامتگاه موقت صوفیان در سفر، مزار مشایخ صوفیه، مهمان‌پذیر رایگان در شهرهای زیارتی و به ویژه مکانی مناسب برای اجرای آداب مورد علاقه اهل تصوف؛ یعنی مراسم سماع و رقص‌های صوفیانه بود. از این رو در نقشه ساختمان این تکیه‌ها، در وسط بنا سکوی

وسیعی را برای رقص، چرخش و جست و خیز ایجاد می‌کردند و کرسی یا تخت بند قطب یا مرشد را برای تعلیم دادن مسائل تصوف در آن می‌گذاشتند.<sup>۳۹</sup>

اصطلاح تکیه از دوره قاجار تاکنون، تغییر و تحول یافته است. دیگر در ایران تنها به بناها و مکان‌هایی که به صورت ثابت ساخته می‌شود، تکیه نمی‌گویند و این اصطلاح برای هر جای دیگری که برای چنین مقاصدی استفاده شود، مانند چهار راه‌های شهر، کاروان‌سراها و میادین که گنجایش چند صد تن را دارد به کار برده می‌شود.<sup>۴۰</sup> بر این اساس می‌توان تکیه‌ها را به دو دسته تکیه‌های ثابت تعزیه خوانی و تکیه‌های موقت تقسیم کرد.

#### الف) تکیه‌های ثابت تعزیه خوانی

این گونه تکایا، به طور معمول مکان‌های محصور هستند که اغلب ساده و دارای طرح و نقشه خاصی نیستند و فاقد تزئینات معماری هستند و بیشتر در مسیر گذرگاه‌های اصلی شهرها قرار دارند و به طور خاص برای برگزاری مراسم سوگواری ایام محرم ساخته شده‌اند. برخی از محققان این تکایا را، مکان‌های خاصی می‌دانند که از اواخر دوره صفویه یا دوره زندیه به بعد برای برگزاری مراسم ایام محرم ساخته شده‌اند. ساختمان این تکایا با شیوه تلفیقی معماری کاروان‌سرا، خانقاه، میدان و زورخانه ساخته شده‌اند، مانند تکیه حاج میرزا آقاسی و تکیه معیرالممالک.<sup>۴۱</sup>

#### ب) تکیه‌های موقت

این تکایا بیشتر در گذرگاه‌ها، راه‌های رفت و آمد و یا در بناهایی مانند آرامگاه‌ها، کاروان‌سراها، قهوه‌خانه‌ها و خانه‌های بزرگ ساخته می‌شوند که کاربری اصلی آنها، موارد دیگری به جز اجرای نمایشی عزاداری و برگزاری سوگواری ماه محرم به ویژه دهه عاشورا است و تنها در ایام محرم، شکل تکیه به خود می‌گیرند.

این تکایا به لحاظ موقعیت شهری، بخشی از فضای اصلی و مهم شهری محسوب

می‌شوند که در طول سال محل کسب و کار و تردد مردم است. در ساخت این تکیه‌ها سعی می‌کنند دو مدخل برای رفت و آمد تماشاگران و عبور قافله‌ها، شبیه گردان‌ها و دسته‌های عزاداری تعبیه کنند. این تکیه‌ها را به طور معمول با پارچه‌های سیاه و سبز، کتیبه‌هایی از اشعار مذهبی و شعر عاشورای محترّم کاشانی، عَلم، علامت، بیرق، توغ و شال کشمیری رنگارنگ می‌آرایند. زمین آن را فرش می‌کنند و منبری چند پله در آن قرار می‌دهند. سقاخانه کوچک متحرّکی نیز کنار در ورودی یا داخل تکیه می‌گذارند.

### حسینیه

معنای لغوی حسینیه، تکیه‌ای است که در آن‌جا مرثیه حضرت سید الشهدا  $\blacklozenge$  را می‌خوانند و مخصوص عزاداری آن حضرت است.<sup>۴۲</sup> حسینیه‌هایی که در شهرهای مختلف به ویژه شهرهای مذهبی ساخته می‌شوند، علاوه بر مرکز تجمع عزاداران و اقامه مراسم سوگواری، به صورت زائرسرا و مسافرخانه رایگان استفاده می‌شوند. بیشتر این حسینیه‌ها به نام مردم شهری است که آن را می‌سازند، مثل حسینیه آذربایجانی‌ها و اصفهانی‌ها. در شهرهای نجف، کربلا و مشهد این گونه حسینیه‌ها وجود دارد و از نظر شرعی، محدودیت و احکام مسجد را ندارند.<sup>۴۳</sup>

### تمایز تکیه و حسینیه

همان‌طور که پیش از این آمد، واژه تکیه برای تعریف حسینیه ارائه شده است. حسینیه هم‌چون تکیه از پایگاه‌های مورد توجه مردم بوده است. حسینیه به هنگام عزاداری در روزهای محرم آذین بسته می‌شود و محدودیت و احکام مسجد را ندارد. تمایز کردن کاربری تکیه و حسینیه از یکدیگر به عنوان کانون فعالیت‌های فرهنگی بسیار دشوار و ناممکن است؛ چرا که مدت‌ها است که این دو واژه با مفهومی یکسان و برای یک مکان خاص به کار می‌روند. در برخی از شهرهای ایران به محل برپایی مجالس روضه خوانی و بیان مصیبت ائمه، حسینیه و به محل برگزاری مجالس تعزیه خوانی تکیه

می‌گویند و در برخی تنها اصطلاح تکیه و یا حسینی به کار برده می‌شود. تکیه به لحاظ پیشینه تاریخی و کاربری‌های متفاوت آن، تمایز ویژه‌ای با حسینی دارد. تکیه و مترادف‌های آن خانقاه و بر اساس روایت برخی از منابع، رباط و زاویه از سده هشتم و از دوره ایلخانی دیده می‌شود. این در حالی است که تا پیش از دوره صفوی، گزارشی درباره وجود حسینی‌ها در دست نیست. تنها در دوره صفوی بنا بر گزارش راهبان آگوستینی پرتغالی در آغاز قرن ۱۱ ه. ق/ ۱۷م، ایشان پایگاهی در محله‌ای به نام محله حسینی در نزدیک مسجد جامع اصفهان داشته‌اند.<sup>۴۴</sup>

به نظر می‌رسد با توجه به این که در دوران میانه (از پیروزی اسلام تا صفویه)، حکومت‌ها سنی مذهب بودند و شیعیان در انقیاد و سلطه حاکمان سنی قرار داشتند، شیعیان برای انجام فرایض دینی خود، حسینی‌ها را به وجود آورده بودند. بنابراین می‌توان گفت که پیشینه تاریخی حسینی‌ها به قرون اولیه اسلامی و به حکومت‌های خودمختار شیعی مذهب زیدی، علویان و دولت آل بویه بر می‌گردد. حسینی‌ها بر خلاف تکیه‌ها پیوندی با اهل تصوف ندارند و برخلاف تکیه‌ها که اغلب دارای سکویی در وسط بنا هستند، تنها منبری در گوشه دارند.

#### نتیجه

تاریخ پیدایش تعزیه اهل بیت علیهم‌السلام و پیشینه تاریخی نمایش دادن سوگواری اهل بیت علیهم‌السلام در ایران، تعزیه یا شبیه خوانی به قرن‌های اول و دوم و به ویژه به قرن چهارم در دوره آل بویه بر می‌گردد. ابتدا عزاداری‌ها و شبیه سازی‌ها به صورت صامت برگزار می‌شد و کم‌کم به شبیه خوانی ناطق تبدیل گردید. تجسم وقایع و حوادث کربلا و صحنه‌های حزن انگیز پیکار امام حسین علیه‌السلام و یاران او با لشکر یزید، در دوره‌های مختلف تاریخی با برخوردهای متفاوت حاکمان روبه‌رو بوده است. فلسفه سوگواری امام حسین علیه‌السلام، همواره تداعی کننده مظلومیت و ایستادگی آن حضرت علیه‌السلام در برابر حکومتی ظالم بوده است. به همین سبب شیعیان پیش از روی کار آمدن صفویان و رسمی شدن

تشیع در ایران برای ابراز مخالفت خود با خلافت و حکومت، برگزاری مراسم سوگواری سیدالشهدا  $\blacklozenge$  را به صورت جدی دنبال می‌کردند.

امرای آل بویه با برگزاری مراسم عزاداری حسین بن علی  $\blacklozenge$  علاوه بر این که ارادت خود را به اهل بیت  $\text{علیهم‌السلام}$  و خاندان نبوت ابراز می‌کردند، مخالفت آشکار خود را با دستگاه خلافت عباسی اعلام می‌داشتند. در دوره‌های بعد به ویژه در دوره پهلوی این تظاهرات دینی، یکی از جلوه‌های ایستادگی در برابر حکومت‌های خودکامه و ابراز تنفر و بیزاری از ظلم و ستم بود. از اولین حرکت انقلابی تا آخرین تلاش‌ها برای تحقق انقلاب اسلامی ایران، نقش مراسم عاشورا و توان نهفته در آن بسیار اساسی بود و سرانجام توانست خواسته مردم را به ثمر برساند. به یاری خداوند و با روشن دلی شیعیان، این نهضت آزادی و پایداری همچنان ادامه خواهد یافت.

## پی‌نوشت‌ها

۱. عنایت‌الله شهیدی، پژوهشی در تعزیه و تعزیه خوانی، ویرایش و نظارت علمی علی بلوکباشی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی با همکاری کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ۱۳۸۰، ص ۲۴.
۲. یحیی آرین‌پور، از صبا تا نیما، چاپ چهارم، تهران: زوار، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۲۲؛ همان، ص ۶۴.
۳. ابوبکر محمد بن جعفر نرشخی، تاریخ بخارا، ترجمه ابونصر احمد بن محمد بن نصر القبادی، تهران: سنایی، ۱۳۱۷، ص ۲۱.
۴. جمشید ملک‌پور، ادبیات نمایشی در ایران، تهران: توس، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۸۲.
۵. عنایت‌الله شهیدی، پیشین، ص ۲۸.
۶. همان، ص ۶۳.
۷. علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶، ج ۲، ص ۲۱۶.
۸. عنایت‌الله شهیدی، پیشین، ص ۶۲.
۹. عزالدین علی بن محمد ابن اثیر، کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ترجمه عباس خلیلی، تهران: شرکت سهامی چاپ و انتشارات کتب ایران، ۱۳۴۴، ج ۱۴، ص ۲۶۱ - ۲۶۲.
۱۰. صادق همایونی، تعزیه در ایران، شیراز: نوید ایران، ۱۳۸۰، ص ۵۵.
۱۱. یحیی آرین‌پور، پیشین.
۱۲. صادق همایونی، پیشین، ص ۵۶ - ۵۷.
۱۳. ابن اثیر، پیشین، ج ۱۴، ص ۲۷۲ - ۲۷۳.

۱۴. عبدالجلیل قزوینی، *النتقض*، تحقیق جلال‌الدین محدث، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸، ج ۱، ص ۳۷۳.
۱۵. عنایت‌الله شهیدی، پیشین، ص ۶۳ - ۶۴.
۱۶. حسین سلطان‌زاده، *روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران*، تهران: آگاه، ۱۳۶۲، ص ۱۶۶.
۱۷. زان باتیست، *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه ابوتراب نوری، اصفهان، کتاب‌فروشی تأیید، ۱۳۳۶، ص ۴۱۳ - ۴۱۴.
۱۸. انگلبرت کمپفر، *در دربار شاهنشاه ایران*، ترجمه کیکاووس جهان‌داری، طهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰، ص ۱۸۱.
۱۹. یکی از کارهای عزاداران حسینی، قمه‌زنی و شاخ‌حسینی بود. کسانی که می‌خواستند قمه زنی کنند، یکی دو روز قبل، موی تمام یا قسمتی از سر را می‌تراشیدند و شب عاشورا در حالی که لباس سفیدی بر تن می‌کردند، دست در دست هم می‌نهادند و در خیابان‌ها حرکت می‌کردند. این جماعت در حال حرکت و ضمن خواندن نوحه به طور جمعی با پشت قمه بر روی سر خود می‌کوبیدند. آن‌گاه کمی استراحت می‌نمودند و پیش از دمیدن آفتاب، قمه زنی را شروع می‌کردند. دسته قمه زن در حالی که خون از سر و روی ایشان بر روی روپوش سفیدشان جاری بود در روز عاشورا به راه می‌افتادند. ایشان پس از یکی، دو ساعت گردش و نوحه خوانی به حمام می‌رفتند و سر و رو از خون پاک می‌کردند. به دنبال قمه زن‌ها، یک دسته قفل زن هم مشغول عزاداری می‌شدند. جماعت قفل زن تعدادی قفل، آهن و اشیاء فلزی به خود می‌آویختند و برای این کار چند نقطه از پوست بدن را سوراخ می‌کردند تا اشیاء فلزی را به آنها بیاویزند. (ناصر نجمی، *دارالخلافة طهران: چاپ چهارم*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۶، ص ۳۴۹ - ۳۵۰)
۲۰. انگلبرت کمپفر، پیشین.
۲۱. پیتر و دلاواله، *سفرنامه*، ترجمه شعاع‌الدین شفا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸،

- ص ۱۲۵.
۲۲. عنایت الله شهیدی، پیشین، ص ۷۳.
۲۳. کارستن نیبور، سفرنامه، ترجمه پرویز رجیبی، تهران: توکا، ۱۳۵۴، ص ۱۸۹.
۲۴. عنایت الله شهیدی، پیشین، ص ۷۹.
۲۵. محمد حسن خان، اعتماد السلطنه، المآثر و الآثار، تهران: کتابخانه سنایی، ۱۳۰۶ هـ. ق، ص ۵۸.
۲۶. لاله تقیان، درباره تعزیه و تئاتر، تهران: مرکز، ۱۳۷۴، ص ۲۲.
۲۷. اوژن فلاندن، سفرنامه فلاندن، ترجمه حسین نور صادقی، تهران: اشراقی، ۱۳۵۶، ص ۱۱۷.
۲۸. منصور خلیج، تاریخچه نمایش در باختران، تهران: مؤلف، ۱۳۶۴، ص ۳۳.
۲۹. همو، نمایش نامه نویسان ایران (از میرزا فتحعلی آخوندزاده تا بهرام بیضایی)، تهران: اختران، ۱۳۸۱، ص ۳۵ - ۳۶.
۳۰. پتر جی چلکووسکی، تعزیه «نیایش و نمایش در ایران»، ترجمه داوود حاتمی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷، ص ۱۳.
۳۱. جعفر شهری، طهران قدیم، چاپ دوم، تهران: معین، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۱۲.
۳۲. یحیی آربن پور، پیشین، ج ۱، ص ۳۲۳.
۳۳. محمد تقی بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۹۳.
۳۴. فوکو، ص ۹۱.
۳۵. تیبان، ج ۳، ص ۱۸.
۳۶. غلامرضا انصاف پور، کامل فرهنگ فارسی، تهران: زوآر، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۳۳.
۳۷. ژان شاردن، سیاحت نامه، ترجمه محمد عباسی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۵، ج ۱، ص ۴۷۳.

۳۸. محسن کیانی، *تاریخ خانقاه در ایران*، تهران: طهوری، ۱۳۶۹، ص ۲۶۴ - ۲۶۵.
۳۹. یحیی ذکاء، *تاریخچه ساختمانهای ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان*، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۴۹، ص ۲۸۳.
۴۰. پترجی، چلکووسکی، پیشین، ص ۱۰۴ - ۱۰۵.
۴۱. عنایت الله شهیدی، پیشین، ص ۲۴۳ - ۲۴۵.
۴۲. فرهنگ نفیسی، *ناظم الاطباء*، تهران: کتابفروشی خیام، ۱۳۴۳، ج ۲، ص ۲۴۶.
۴۳. جواد محدثی، *فرهنگ عاشورا*، چاپ سوم، قم: معروف، ۱۳۷۶، ص ۱۵۱.
۴۴. کاظم موسوی بجنوردی، *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، تهران: مرکز دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۱۰۳.